

اهمیت نقش موزه‌ها در اجتماع

محمدحسن سمسار

موزه‌دار موزه هنرهای تزئینی

نقش موزه‌ها در اجتماع متمدن قرن بیستم، دارای دامنه‌ای آنچنان وسیع و پراهمیت است که گفتگو پیرامون آن محتاج بشرح و بسط بسیار میباشد. محققین، معلمین، هنرمندان و همه کسانی که بنحوی از انحاء با آموزش و پرورش سروکار دارند بخوبی باین نقش پراچ آشنا هستند و در اینجا فرصتی است تا توجه همه هموطنان عزیز را، با اهمیت نقش بزرگ و مؤثر موزه، بویژه در امر مهم آموزش و پرورش در بالا بردن سطح دانش و معلومات مردم جلب کنیم.

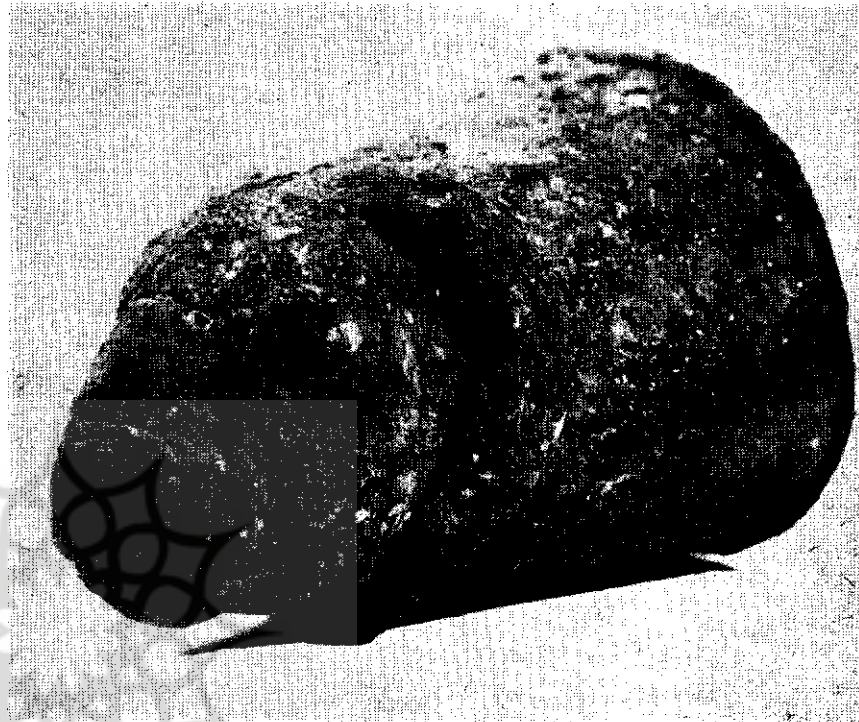
تاچندی قبل مفهومی که از شنیدن کلمه «موزه» در ذهن شنونده نقش می‌بست، عبارت از تجسم محیطی آرام و ساکت بود، که در آن اشیاء رنگ باخته و کهنه قرون و اعصار گذشته را در کنار هم گرد آورده‌اند و از آنها نگاهداری و حفاظت میکنند. اما مفهوم واقعی موزه جز این است.

درست است که حفاظت آثار باستانی جزء وظایف موزه‌هاست، اما این تنها وظیفه آنها نیست بلکه امروزه موزه‌ها وظایف بسیار پراهمیت‌تر و سنگین‌تری را بعهده دارند. شاید در قرون گذشته موزه صرفاً جنبه تفریحی و تجمیلی داشت، و گاهی نشانه تشخیص ثروت و بشمارمی‌آمد و شاید بهمین علت بود که غالباً سلاطین برای خود دست بایجاد موزه میزدند. آنچنانکه در کشور عزیز خود ما اولین موزه‌ای که تشکیل گردید یعنی «موزه گلستان» دارای چنین نقشی بود. اما این وضع دیری نپائید، چه انسان قرن بیستم بهمان نسبت که برای بهبود زندگی آینده تلاش و کوشش را آغاز کرد، نسبت با گاهی از چگونگی وضع ادوار گذشته، و تمدنهایی که پایه تمدن امروز ماست، اظهار علاقه و بذل توجه نمود.

بشر کنجکاو برای کشف مجهولات و اسرار گذشتگان دست به تلاش بزرگی زد، و این کوشش برای کشف اسرار قرون گذشته از دل خاک، پاییای تلاش برای درک مجهولات علمی در فضا و دل اقیانوسها ادامه یافت، و سرانجام عطش پایان‌ناپذیر بشر برای کشف اسرار گذشتگان سبب توسعه، گسترش و پرشدن موزه‌ها از آثار گرانبهای باستانی گردید.

بهمان نسبت که موزه‌ها از آثار باستانی پر شد، توجه و علاقه بشناسائی این آثار که کلید حل معماهای مورد علاقه انسان بودند افزایش یافت، زیرا این آثار شواهدی بودند که میتوانستند انسان را بکشف اسرار مورد علاقه خود رهنمون گردند.

بزودی کوشش خستگی و پایان‌ناپذیر برای کشف رموز آثار گذشتگان آغاز گردید، و علم باستانشناسی جای خود را در میان دیگر علوم جدید باز کرد، و ارزش و اعتبار فوق‌العاده یافت. توجه دانش‌پژوهان سبب برانگیخته شدن حس کنجکاوای دیگر طبقات گردید، بطوریکه مردم عادی نیز میخواستند بدانند که اشیاء اسرارآمیزی که از دل خاکهای قرون بیرون کشیده شده‌اند چه هستند؟ همین کنجکاوای سبب کشش مردم بجانب موزه‌ها گردید.



راست : ساغر مفرغی - حسلو - اواخر قرن اول قبل از میلاد - موزهی ایران باستان - چپ : تنگ نقره با نقوش طلاکاری شده ساسانی - موزهی ایران باستان

ژوئیه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

از اینجا بود که دانشمندان علوم تربیتی متوجه این امر مهم گردیدند، که میتوان از این توجه و کنجکاوی بنحوی شایسته، برای آموزش غیرمستقیم بهره گرفت و موزهها را بصورت کلاسهای درس آزاد درآورد. و از این جاست که ارزش حقیقی و نقش موزهها در امر مهم آموزش و پرورش آغاز گردید.

این شبهه ایجاد نگردد که از موزهها تنها مردم دانشمند و دانشجویان و تحصیل کردهها میتوانند استفاده کرده، و بهره مند گردند. نه، هرگز چنین نیست. درست است که بهره و سودی که هر کس میتواند با دیدار از موزهها برگیرد، به نسبت دانش و فرهنگ، و حرفه و کار هر فرد متفاوت است. اما بهر حال هر کس با هر درجه علم و معرفت میتواند از موزهها استفاده برده و بر اطلاعات خود بیفزاید.

سودی که يك کارگر ساده میتواند از تماشای موزه ای ببرد، در حد خود هیچ کمتر از بهره ای نیست که يك محقق و مورخ از همان موزه می برد. جای شگفتی نیست، این حقیقتی روشن است. اما چگونه؟ مورخی که درباره تاریخ مملکتی مطالعه میکند، یا هنرشناسی که

پیرامون تاریخ هنرملتی کاوش می‌نماید، هر دو باسناد و مدارك معتبر نیاز دارند. این اسناد و مدارك را از کجا میتوان بدست آورد؟

آیا آنچه که بوسیله گذشتگان در کتابها نوشته شده است کافی است؟

آیا این مدارك از هرگونه لغزش، خطا، غرض‌ورزی و تعصب تهی است؟

آیا میتوان بصحت و درستی آنها صددرصد اطمینان کرد؟

آیا نویسنده به هنگام نوشتن رعایت امانت و صداقت را کرده است؟

همه این سؤاها و سؤاهاى دیگر، عواملی هستند که اگر برای آنها جواب قطعی و کامل نیابیم، حاصل کار تحقیق و تتبع از خطا و اشتباه مصون نمی‌ماند.

پس ضرورت یافتن شواهدی که بتواند راهنمای صادق محقق باشد در اینجا بشدت احساس میشود.

چنین شواهدی را از کجا میتوان یافت؟ در اینجا ست که ذهن متوجه موزه‌ها میگردد،

زیرا اشیاء موزه‌ها اطمینان‌بخش‌ترین اسناد تاریخی هر ملت در هر دوره از تاریخ میباشند. اگر

اقتناؤا فافضلوا اینهم ما فافز بعت اناهم ما

خط تلت بقلم بایسنقر میرزا شاهزاده تیموری - موزهی هنرهای تریینی

بخاطر آوریم که تاریخ درزندگی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی هرملتی چه نقش بزرگی بعهدہ دارد، ارزش و اهمیت موزه‌ها و اشیاء موجود در آنها بخوبی روشن میگردد.

در روزگار ما تاریخ بخلاف گذشته تنها شامل شرح حال بزرگان و چگونگی وقوع

سلسله حوادث نیست. تاریخ نیز مانند همه علوم دستخوش دگرگونی‌های عظیم شده. امروز تاریخی

مورد قبول مورخین و دانشمندان است که تمام شئون زندگی ملت‌ها را در نظر گرفته، مورد بحث

قرار داده باشد و تنها مدارکی که نشان‌دهنده جنبه‌های مختلف زندگی مردم باشد، اشیاء و آثار

موجود در موزه‌ها ست. این چگونگی سودی است که يك مورخ از مشاهده و مطالعه موزه‌ها می‌برد.

پژوهندگان تاریخ هنر، و تاریخ صنایع نیز ناچارند که برای بررسی سیر هنر و صنعت،

اشیاء و آثار موزه‌ها را بدقت مورد بررسی و مطالعه قرار دهند. زیرا اسناد و مدارك قطعی سیر

تحولات هنری را نیز تنها در موزه‌ها میتوان جستجو کرد.

در مقابل چنین افرادی، بهره‌ای که يك کارگر ساده سفالگر، یا فلزکار، و یا يك زرگر

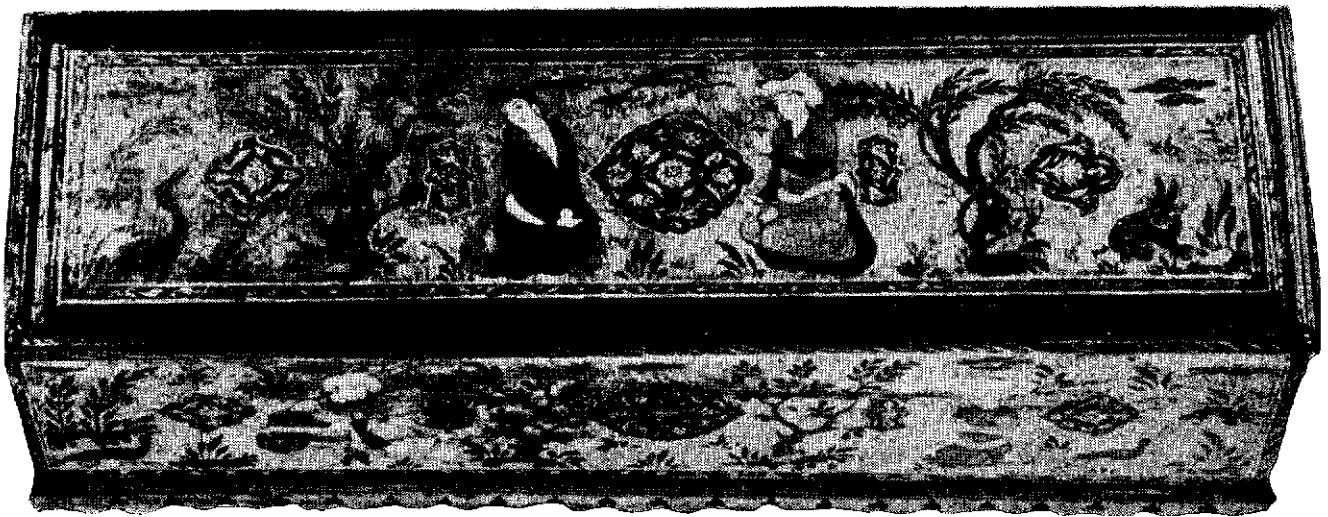
هنرمند از موزه‌ها و اشیاء داخل آن میبرد کمتر از پژوهندگان دانشمندی که نام بردیم نیست.

این هنرمندان که شاید هرگز فرصت و امکان مطالعه کتب تاریخ هنر را نیابند، تا از سیر

تکاملی و تحولات صنایع و هنرها مطلع گردند. اما آنان بسهولت میتوانند با بازدید از موزه‌ها

سیر تحولات هنر مورد علاقه و حرفه خود را بچشم ببینند، و از نزدیک مطالعه و مشاهده کنند،

و از آنها الهام گیرند و کار خود را رونق و جلای بیشتر دهند.



جعبه قلمدان رنگ و روغنی
دوره صفوی - موزه هنرهای
تزیینی

در مورد جنبه آموزشی موزه‌ها باید گفت که امروزه، موزه‌ها بصورت آزمایشگاهی برای دانشگاه‌ها و مدارس درآمدی است.

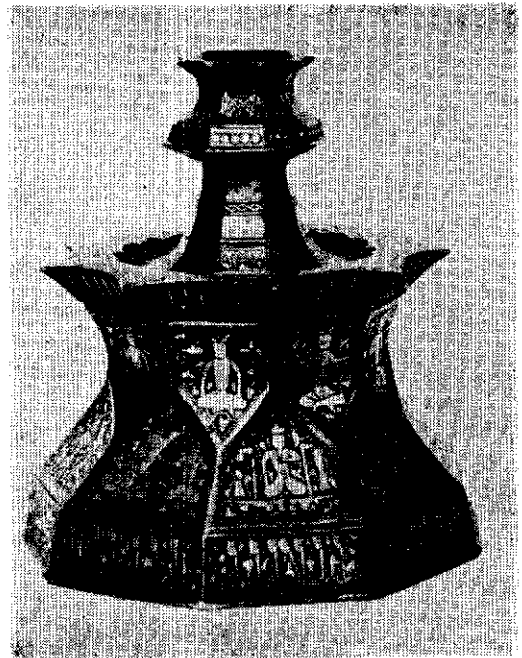
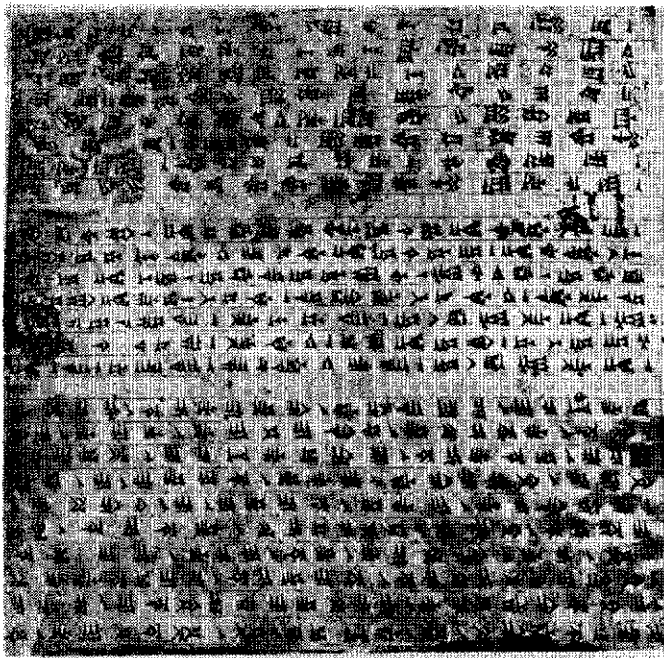
دانشجویانی که در علوم باستانشناسی، هنرهای زیبا، مردم‌شناسی و مانند آن به تحصیل اشتغال دارند، آنچه را در کتابهای درسی می‌خوانند میتوانند از نزدیک در موزه‌های مربوطه مشاهده و مطالعه کنند. این امر منحصراً برشته‌هایی که نامبردم نیست، بلکه، موزه‌هایی مانند موزه تاریخ طبیعی، جانورشناسی، گیاه‌شناسی، صنایع، جنائی و بسیاری موزه‌های دیگر نیز در رشته خود، همین نقش مهم را بعهده دارند. بدون شناسائی دقیق این موزه‌ها، تحصیل در رشته‌های مربوطه بطور نظری، ناقص و بدون فایده است. آنچنانکه دانستن علم شیمی بدون داشتن اطلاعات و تجربیات آزمایشگاهی، فاقد نتیجه عملی است.

شاید نیازی بتوضیح بیشتر درباره اهمیت نقش موزه‌ها در امر آموزش و پرورش نباشد. بنابراین میتوان نظری به نقش موزه‌ها در بررسی اوضاع اجتماعی مردم روزگار گذشته افکند. بررسی گذشته ملت‌ها از نظر اقتصادی و اجتماعی نیز بدون یاری گرفتن از موزه‌ها میسر نیست. موزه‌ها نشان‌دهنده سیر ترقی یا تنزل اجتماعات گذشته از نظر اقتصادی، هنری، اجتماعی هستند. ترقی هنر و صنایع در یک دوره نماینده توانائی، رفاه، و آسایش اجتماعی، و برعکس تنزل و رکود نشانه ضعف و ناتوانی جامعه است. این بررسی ترقی یا تنزل را، تنها بکمک اشیاء موجود در موزه‌ها میتوان انجام داد.

نتیجه‌گیری از این بررسی‌ها میتواند درس عبرتی برای جوامع بشری در حال و آینده باشد. چه درک علل ترقی یا سقوط اجتماع در ادوار گذشته راهنمای خوبی برای بهبود بخشیدن، اجتماعات بشری است.

ایجاد پیوند بین گذشته و حال هرملتی از نقشهای دیگر موزه‌هاست. این پیوستگی با گذشته در پیش‌برد و ترقی اجتماع امروز و کار و کوشش، بیشتر و بهتر، و ایجاد دلگرمی و غرور بویژه در نسل جوان بسیار مؤثر است. بطور مثال باید گفت وقتی یک ایرانی پاک سرشت در مقابل لوحه‌های زرین و سیمین بنای کاخ آپادانای تخت‌جمشید می‌ایستد، و کنجکاوانه بحروف میخی این الواح نظر می‌افکند و بخواندن ترجمه فارسی این الواح می‌پردازد:

«منم داریوش، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه کشورها، پسر ویشناسپ هخامنشی، داریوش شاه گوید: این است کشوری که من دارم، از سکستان آنسوی سفد گرفته، تا کوشا (حبشه) و از هند گرفته تا سارد، که آنرا اهورامزدا بمن بخشیده. اهورامزدا مرا و خاندانم را پاس دارد». خود را در آنسوی دیوار قطور قرنهای گذشته احساس میکند، و میتواند در خاطر خود روزگار با عظمت سلطنت داریوش بزرگ را مجسم نماید. عظمتی که چشم روزگار مانند



راست: پایه شمع‌دان مفرغی
نقره کوب ساخت خراسان -
سلجوقی - موزه‌ی ایرانستان
چپ: لوحه‌زین داریوش بزرگ،
کتشف شده در گوشه تالار آپادانای
تخت جمشید - موزه‌ی ایرانستان

آنرا کمتر دیده است.

ایجاد چنین بستگی و پیوندی بین گذشته‌های بسیار دور، و امروز جز از طریق موزه‌ها ممکن نیست. از طرفی حفظ پیوندها و پیوستگی‌های هنری نیز از عواملی است که تنها از طریق موزه‌ها امکان‌پذیر است.

هنرمندان و هنرشناسان بخوبی میتوانند سیر تکامل و تحولات و سنت‌های هنری يك ملت را که شاید قرن‌ها حفظ گردیده، و از نسلی به نسل دیگر منتقل شده، در موزه‌ها مطالعه و دنبال کنند. و نیز هنرمندان قادرند از این پیوندها الهام گرفته و در حفظ آنها کوشا باشند.

نقش الهام‌بخش موزه‌ها را در هر عصری نمیتوان نادیده گرفت. هنرمندان هر دوره با مشاهده شاهکارهای هنری قرون گذشته، میتوانند از آنها الهام گرفته و در حفظ اصالت هنرهای ملی خود سهمی داشته باشند.

سرانجام بگفتگو پیرامون حفاظت اشیاء می‌پردازیم که یکی از وظایف سنگین، و از نقش‌های اساسی موزه‌هاست.

جای گفتگو نیست که آثار تمدن و اشیاء تاریخی هر ملتی، سبب افتخار، و سند زنده ملیت آن مردم است. و ناچار بهمه مردم تعلق دارد. حتی باید گفت که این اشیاء و آثار تاریخی به جامعه بشریت متعلق است. بنابراین باید به‌بهترین نحو نگاهداری شوند، و در معرض دید همگان قرار گیرد. و بهترین محل برای نگاهداری و نمایش آنها موزه‌هاست.

موضوع دیگر خوب حفظ کردن این اشیاء است که خود محتاج به مهارت و تخصص است، و هر فرد عادی نمیتواند اشیاء و آثار باستانی را که بعضی از آنها قرن‌ها در دل خاک سالم مانده بخوبی حفظ کرده، و برای همیشه سالم نگاهدارند.

بعلاوه این گونه اشیاء در خارج از محیط موزه‌ها همیشه در معرض حوادث گوناگون قرار میگیرند، و چون از دست رفتن هر يك از آنها خسارتی است که بهیچ قیمت قابل جبران نیست، بنابراین باید گفت که، موزه‌ها امن‌ترین و اطمینان‌بخش‌ترین اماکن برای حفاظت آثار ملی هر قوم و ملتی است.

اینجاست که مردم باید این مراکز تعلیم و تربیت و این آرشيو ملیت و تمدن خود را تا سرحد امکان حمایت کنند، و دریاری آنها بکوشند.

گفتگو پیرامون نقش و وظایف موزه‌ها را بهمین‌جا پایان میدهم. امید است که این مختصر توانسته باشد تاحدی اهمیت نقش موزه‌ها را در پیشرفت اجتماع روشن کند.